

چشم‌اندازی بر تأثیرات مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران بر بیداری اسلامی بحرین

محمدصادق کوشکی*

سید محمود حسینی**

محمد قادری***

چکیده

وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۷۵، در فضای پیرامونی خود به‌ویژه در جهان اسلام دارای اثرات عظیمی بوده است. این اثرات، بیشتر از جانب مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و ارزش‌های منبعث شده از آن برآمده است. در این میان، کشور بحرین به واسطه حدود ۷۵ درصد جمعیت شیعی، بیشترین قرابت را با ابعاد قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران در طول سه دهه گذشته برقرار کرده است. در واقع این مقاله تلاشی است در جهت برشمردن مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی در منطقه خلیج فارس و تأثیرات این ابعاد در تحولات انقلابی کشور بحرین. در ادامه این مقاله بدین نتیجه می‌رسد که یکی از مهم‌ترین عوامل بسترساز بیداری اسلامی در بحرین، قدرت نرم انقلاب اسلامی به شمار می‌رود و راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز در راستای این عامل شکل گرفته است.

واژگان کلیدی

قدرت نرم، انقلاب اسلامی، بحرین، بیداری اسلامی، جمهوری اسلامی ایران.

m.s.koushki@ut.ac.ir

mhossini92@gmail.com

m.ghaderi66@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۱۰

*. استادیار دانشگاه تهران.

**. کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران.

***. کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه علامه طباطبایی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۱۰

مقدمه

با وقوع انقلاب اسلامی ایران، نه تنها پارادایم انزوای دینی از حیات سیاسی و اجتماعی بشریت و خنثی بودن ابعاد مبارزاتی آن پایان یافت، بلکه در کنار احیای هویت دینی و بیداری ملت‌ها، فرهنگ سیاسی اسلامی را در ایران، منطقه و جهان حاکم نمود؛ فرهنگی که سلطه قدرت‌های سلطه‌گر و مستبدان حاکم بر کشورهای مسلمان و جهان سوم را به چالش می‌کشید. قدرت نرم جوشیده از متن انقلاب اسلامی با خاستگاه دینی و اسلامی آن، نه تنها در دوران انقلاب اسلامی از توده‌های متفرد و پراکنده، به تعبیر میشل فوکو روح جمع‌گرایانه و شگفت‌آمیزی را خلق نمود، بلکه روند و جریان تاریخ را دگرگون ساخت. (مرادی، ۱۳۸۸: ۴۰)

در واقع، انقلاب اسلامی ایران به واسطه ماهیت فراملی و اسلامی از یک سو و موقعیت ژئوپولیتیک ایران در منطقه خلیج فارس از سوی دیگر، محیط اطراف خود را بیش از پیش تحت تأثیر قرار داده است. این تأثیرگذاری برآیند ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی و شیعی که به عنوان منابع قدرت نرم انقلاب اسلامی تلقی می‌شوند، می‌باشد. در واقع، مفهوم قدرت نرم محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار از افکار عمومی داخلی و جهانی و قدرت تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بر دیگران است. (خراسانی، ۱۳۸۷)

علاوه بر آن، قدرت نرم انقلاب اسلامی بدین معناست که این انقلاب، با ارائه چهره موجهی که از اسلام و مبانی آن دارد، بر سایرین تأثیر، همراه با رضایت گذاشته و اراده بسیاری از مسلمانان را تابع آرمان‌های انقلاب نموده است. (متقی‌زاده، ۱۳۹۰: ۴۹ - ۳۳) در این میان، کشور بحرین به واسطه اکثریت جمعیت شیعی و قرار گرفتن در منطقه خلیج فارس، بیشترین قرابت را با مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران برقرار نموده است که در این زمینه، یکی از مهم‌ترین عوامل بسترساز بیداری اسلامی ایجاد شده در این کشور تلقی می‌شود. به هر حال، این مقاله تلاشی در جهت برشمردن ابعاد قدرت نرم انقلاب اسلامی در منطقه و به‌ویژه تأثیرگذاری این مؤلفه‌ها را در تحولات انقلابی بحرین مورد واکاوی قرار می‌دهد.

چارچوب نظری

قدرت نرم عبارت است از توانایی تغییر یا شکل دادن به اولویت دیگران براساس آنچه ما می‌خواهیم فکر یا رفتار کنند. بنابراین قدرت نرم متعلق به بازیگرانی است که بدون اینکه از زور استفاده کنند نتایج دلخواه خود را می‌گیرند، چون سیاست‌ها و ارزش‌های آنان برای دیگران جذابیت دارند. (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۹۰: ۱۹۷) قدرت نرم یک کشور، امروزه از طریق پتانسیل جذب‌کنندگی جهانیان (عموم مردم) توسط مقدورات داخلی یک کشور، ایدئال‌های سیاسی و خط‌مشی‌های آن کشور سنجیده می‌شود. این ابزارها و عناصر در عین واقعیت، ذهنی و درک‌ناپذیرند. موفقیت قدرت نرم یک کشور به شهرت و حسن نیت آن در جامعه بین‌المللی و همچنین انتقال اطلاعات بین دولت‌ها و ملت‌ها بستگی دارد. امروزه شکل جدیدی از قدرت، قدرت نرم می‌باشد که پس

از دوره جنگ سرد مورد تأکید روز افزون قرار گرفته شده است. واژه قدرت نرم، اولین بار توسط جوزف نای استاد دانشگاه هاروارد در کتاب *ملزم به رهبری: تغییر ماهیت قدرت آمریکا*^۱ در سال ۱۹۹۰ به کار گرفته شد. جوزف نای در این کتاب، قدرت نرم در نظام بین‌الملل را ناشی از عواملی چون، ارزش‌هایی مسلط، ممارست‌های داخلی، خطمشی و رویه اداره کردن جهان توسط یک دولت و حسن نیت و وجهه یک دولت در فضای جهانی می‌داند. (نای، ۱۳۸۹)

فرهنگ مسلط در جهان که از طریق رسانه‌های جمعی القا می‌شود، به عنوان مهم‌ترین منبع قدرت نرم به شمار می‌رود. فرهنگ هر کشور واجد عناصری چون زبان ملی یک کشور، ارزش‌ها، هنجارهای یک ملت می‌باشد که توسط غول‌های رسانه‌ای که در قرن حاضر خود را به عنوان یک ابزار قدرت نرم معرفی کرده‌اند، تبلیغ و منتشر می‌شود که این مسئله باعث الهام‌گیری ملت‌ها از فرهنگ کشورهای دیگر و استقبال از فرهنگ جدید در مقابل ارزش‌ها و هنجارهای سنتی و بومی کشور خود می‌شود. دیپلماسی فرهنگی و فرهنگ در اینجا نقش ابزاری را دارد که به هر کشور کمک می‌کند تا به اهداف و منافع خود در سیاست خارجی دست یابد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۰۶)

در سیاست خارجی، قدرت نرم و سخت هر کدام، به عنوان یک واحد مجزا، برای حفظ و استمرار قدرت در نظام بین‌الملل تلقی می‌شوند. هر یک از این واحدها دارای اجزا و عناصر خاص خود هستند. در مکتب واقع‌گرایی که بر روی استراتژی قدرت سخت تمرکز دارد و بر مداخله نظامی، دیپلماسی، اجبار و تحریم‌های اقتصادی به منظور دستیابی به اهداف و منافع ملی یک کشور تأکید دارد، دستاورد آن چیزی جز تقابل و سیاست‌های مقابله‌ای در برابر کشورهای هم‌جوار نیست که دارای هزینه‌ها و مخارج زیادی است، در حالی که استراتژی قدرت نرم با تأکید بر ارزش‌های سیاسی متعارف، استفاده از ابزارهای صلح‌آمیز برای مدیریت و حل و فصل منازعه، همکاری اقتصادی به منظور دستیابی به راه حل‌های مرسوم اشاره دارد که دارای هزینه‌ها و مخارج اندک نسبت به استفاده از قدرت سخت و نظامی - تسلیحاتی در روابط بین‌الملل است. (Wagner, 2005)

در حقیقت، در قاموس روابط بین‌الملل پس از دوره جنگ سرد، گرایش زیادی به استفاده کمتر از ابزارهای قدرت سخت و در مفهوم کلی گرایش کمتری به زور دارد و به نظر می‌رسد که از ظرفیت و قابلیت اعتبارسازی قدرت و نیروی نظامی کاسته شده است. (دهقانی فیروزآبادی و نوری، ۱۳۹۱: ۱۵۶) امروزه با گسترش بازیگران خصوصی و شرکت‌های فراملیتی و کشورهای متعدد، دیگر کشورهای قدرتمند، قادر نیستند، با ابزارهای سنتی قدرت که در گذشته کاربرد زیادی داشته‌اند به اهداف ملی خود برسند و این مسئله بستر را برای رشد و توسعه قدرت نرم در حوزه روابط بین‌الملل فراهم آورده است.

به هر حال، مطابق گفته جوزف نای، امروزه سه گونه از کشورها در به دست آوردن و کسب قدرت نرم در

1. Bound to Lead: The Changing Nature of American Power.

روابط بین‌الملل موقعیت ممتازی دارند:

نخست، کشورهایی که دارای فرهنگ مسلط و ارزش‌ها و هنجارهایی، مطابق با آرمان‌های جهان‌گرایانه می‌باشند. دوم، کشورهایی که دسترسی به کانال‌های چندگانه ارتباطات از جمله رسانه‌های گروهی (جمعی) دارند تا هر مسئله‌ای را به نفع خود تمام کنند. سوم، کشورهایی که قابلیت افزایش کارایی داخلی و بین‌المللی‌شان را دارند. (Nye, 2002: 14)

ابعاد قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس

انقلاب اسلامی ایران به‌واسطه جذابیت در شعارها، اهداف، روش‌ها، محتوا، ارزش‌ها و نتایج حرکت و سابقه مشترک دینی و تاریخی و شرایط محیط منطقه‌ای و بین‌المللی، پدیده اثرگذار در جهان به‌ویژه در جهان اسلام بوده است. این مایه‌های اثربخش، به طور طبیعی یا ارادی، برنامه‌ریزی شده و از طریق کنترل‌هایی چون ارگان‌های انقلابی، سازمان‌های رسمی دولتی و اداری، ارتباط علمی و فرهنگی، مبادلات تجاری و اقتصادی، در کشورهای جهانی و اسلامی بازتاب یافته و دولت‌ها و جنبش‌ها را در آن جوامع به درجات مختلف متأثر نموده است. (بیکی، ۱۳۸۹: ۱۰۸) با این تفاسیر، با توجه به ارزش‌های منبعث شده از انقلاب اسلامی در طول سه دهه گذشته، می‌توان ابعاد و مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران را که نمود فراوانی در منطقه خلیج فارس داشته را شامل موارد ذیل دانست.

۱. فرهنگ و ارزش‌های اسلامی

آموزه و ارزش‌های دینی که هسته اصلی فرهنگ و هنجارهای فردی و اجتماعی ایرانیان را تشکیل می‌دهد، مبتنی بر فطرت بوده و پایداری درخور توجهی در مقایسه با دیگر منابع قدرت نرم دارند. از سوی دیگر، فرهنگ اسلامی، گزاره‌های ارزشی و هنجاری مشترکی میان ایران و بسیاری از جوامع و مردم در کشورهای دیگر، به‌ویژه کشورهای مسلمان پیش‌رو می‌نهد که زمینه مناسبی را برای درک متقابل و همبستگی و همراهی با اهداف جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌کند. در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران، پیگیری آرمان‌های اسلامی در سیاست خارجی، به‌ویژه در حوزه جهان اسلام و در مسائلی مانند مخالفت با رژیم اشغالگر صهیونیستی، باعث شده تا بسیاری از روشنفکران، نخبگان و مردم کشورهای اسلامی با جمهوری اسلامی و آرمان‌های آن همراهی کنند. مذهب شیعه نیز، به‌ویژه در مناطق پیرامونی ایران، از عوامل اصلی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۱۹ - ۱۸) در واقع، وقوع انقلاب اسلامی نه تنها باعث احساس عزت و قدرت شیعیان و تبدیل شدن آنان به عنصری تأثیرگذار در تحولات منطقه‌ای و جهانی شد، بلکه با رویکرد اسلام سیاسی، نقشی اساسی در بیداری تمام جامعه اسلامی ایفا کرده است. (اشرف‌نظری، ۱۳۸۷: ۳۱۷)

البته با وجود اینکه توسل به اتحاد شیعه موقعیت کشور - ملت ایران را به مثابه بازیگر فعال در منطقه تقویت کرده، دولت جمهوری اسلامی ایران برای پرهیز از اتهام‌هایی مانند برانگیختن شیعیان منطقه علیه حکومت‌های سنی و وابسته به غرب، بیشتر بر ارزش‌های مشترک در میان امت اسلام تکیه و تأکید می‌کند که ضمن سازگاری با نقش ام‌القرایبی آن، حساسیت‌های کمتری را برانگیزد. (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۱۹)

۲. زبان فارسی و فرهنگ ایرانی

هرچند زبان فارسی به طور رسمی تنها در کشورهای ایران، افغانستان، تاجیکستان عمومیت دارد، در کشورهای نظیر عراق، ترکیه، ازبکستان و پاکستان نیز گروهی از مردم به این زبان سخن می‌گویند و نفوذ آن بر زبان‌های دیگر مانند ترکی، هندی، اردو و ... انکارناپذیر است. در مجموع و تقریباً حدود ۱۰۰ میلیون نفر در دنیا به زبان فارسی تکلم می‌کنند و در ساختار زبانی بیش از ۲۰۰ میلیون ترک، ترکمن، ازبک و اردو زبان، از زبان فارسی سهمی اساسی دارند. در واقع، یکی از مهم‌ترین راه‌های گفتگو، جذب و اقناع دیگران به‌مثابه اساس قدرت نرم و دیپلماسی عمومی بهره‌گیری از زبان مشترک است. زبان فارسی فرصت‌های فراوانی را در این عرصه پیش روی جمهوری اسلامی ایران می‌گذارد. سنت‌ها و عادت‌های تاریخی ایرانیان نیز مظهری از قدرت نرم ایران به شمار می‌رود. فراگیری مراسم و مناسبت‌های ایرانی مانند نوروز نشان از نفوذ فوق‌العاده فرهنگ ایرانی در میان جوامع دیگر است. (همان: ۲۰)

۳. ولایت و امامت

رهبریت آگاه به اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی زمان خود، در عین حال عادل و دور از هوای نفس موجب بروز و ظهور قدرتی می‌گردد که به دوستان آرامش و اطمینان خاطر داده و دشمنان را نگران و مرعوب می‌نماید؛ چراکه امت رهرو، اطاعت از ایشان را همچون اطاعت از خدا و رسول خدا ﷺ می‌دانند و بی‌چون و چرا تبعیت از او را وظیفه شرعی و دینی خود فرض می‌دارند. در جمهوری اسلامی ایران نیز رهبری تحت عنوان ولایت فقیه و امامت به عنوان یک نهاد مذهبی - سیاسی از تمام عناصر لازم برای ارائه یک رهبری قدرتمند و کارآمد برخوردار می‌باشد که به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران محسوب می‌شود. (محمدی، ۱۳۸۷: ۳۳ - ۳۲)

۴. انقلاب اسلامی ایران و صدور انقلاب

انقلاب اسلامی ایران به دلیل ماهیت و جوهر دینی و معنوی خود، یک تحول ارزشی در جهان محسوب می‌شود و از این نظر انقلاب اسلامی تحول و رویدادی فرهنگی، اخلاقی و اعتقادی بوده است. (دهقانی فیروزآبادی و فیروزی، ۱۳۹۱: ۹۴) بر این مبنای قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران را می‌توان بر پایه نظریه صدور فرهنگی انقلاب مورد توجه قرار داد. منظور از صدور فرهنگی انقلاب عبارت است از تشریح و ترویج

اهداف، آرمان‌ها، آموزه‌ها و گفتمان انقلاب اسلامی به مردم مشتاق، به‌طوری که مقوله صدور بیش از آنکه ناشی از عرضه از سوی جمهوری اسلامی ایران باشد، معلول تمنا و تقاضای ملل دیگر بر شناخت و الگوبرداری از انقلاب اسلامی می‌باشد و از این رو صدور انقلاب اسلامی، متضمن ایجاد انقلاب فیزیکی در سایر کشورها و جوامع نیست، بلکه صدور انقلاب، استعاره‌ای برای اشاعه ارزش‌ها، هنجارها و رساندن پیام‌های بخشش و آزادی‌بخش آن به انسان‌های علاقمند می‌باشد؛ فرایندی که الهام‌بخش ملت‌های مسلمان و مستضعف خواهد بود تا به همان غایتی رهنمون شود که ملت ایران آن را تجربه کرده است.

به نظر فوکو، منبع اصلی جوشش قدرت نرم‌افزاری انقلاب اسلامی در اسلام خلاصه می‌شود که در عناصری مانند معنویت در سیاست، اندیشه حکومت اسلامی، آموزه‌ها و آیین‌های مذهبی و همچنین نماد روحانیت و علما متجلی می‌شود و اسلام را تبدیل به دینی سیاسی می‌کند که به اعتقاد و آیین‌های مذهبی آن نیز رنگ و بوی سیاسی دهد و در آن صورت، دیانت و سیاست می‌توانند در یک راستا قرار گیرند». (جمال‌زاده، ۱۳۹۱)

۵. کمک‌های بلاعوض و بشردوستانه

قدرت نرم بر آن است تا از طریق اقناع، تشویق، هدایت و مدیریت تصاویر ذهنی مخاطبان، با هزینه کمتر به اهداف خود دست یابد. بر همین اساس کارشناسان و تحلیل‌گران مسائل بین‌المللی کمک‌های بلاعوض بشردوستانه و کم‌بهره را یکی از ابزارهای سیاست خارجی و راهبرد امنیت ملی دولت‌های برخوردار معرفی می‌کنند و هدف از این کمک‌ها نیز اقناع و ترغیب به تغییر رفتار از طریق قدرت نرم می‌باشد. (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۹۰: ۲۰۴)

جمهوری اسلامی ایران نیز با ارسال کمک‌های مختلف کم‌بهره و بلاعوض به گروه‌های تحت ستم و کشورهای مصیبت دیده از حوادث طبیعی و جنگ در راستای این مهم گام برداشته است. برای مثال ایران پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ برای کمک به توسعه شهرهای شیعه‌نشین عراق که نزدیک به ۶۰ درصد جمعیت عراق را شامل می‌شود، پروژه‌های زیربنایی نظیر ساخت مدرسه و بیمارستان و ... را به انجام رسانده است که این تلاش‌ها بخشی از راهبرد ایران برای کسب حمایت مردم عراق و کمک به توسعه این مناطق محسوب می‌شود. (عطایی، ۱۳۹۰: ۲۰۰)

۶. حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و ملل مظلوم

یکی از رسالت‌هایی که جمهوری اسلامی ایران، سنگینی آن را بر دوش خود احساس می‌کند، موضوع حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و ملل مظلوم در سراسر جهان می‌باشد. اهمیت این وظیفه و رسالت تا جایی است که حتی به عنوان یک اصل در قانون اساسی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. جمهوری اسلامی ایران براساس اصل ۱۵۴ قانون اساسی در عین خودداری کامل از دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر در مبارزه حق‌طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان، حمایت به‌عمل می‌آورد. (جمال‌زاده، ۱۳۹۱: ۷۰)

امام خمینی علیه السلام نیز این رسالت عظیم و جهانی را متذکر شده و فرمودند:

ملت آزاده ایران، هم‌اکنون از ملت‌های مستضعف جهان و مقابل آنان که منطقتشان توپ و تانک و شعارشان سرنیزه است، کاملاً پشتیبانی می‌کند. ما از تمام نهضت‌های آزادی‌بخش سراسر جهان که در راه خدا، حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم. (به نقل از جمال‌زاده، ۱۳۹۱)

۷. برقراری روابط دوستانه و مسالمت‌آمیز با دیگر کشورها

در دین مقدس اسلام، همواره اصل بر صلح و برقراری روابط مسالمت‌آمیز با دیگر ملل بوده و همواره جنگ به عنوان ابزاری مذموم شمرده شده است. جمهوری اسلامی ایران نیز در این چارچوب به برقراری روابط دوستانه و مسالمت‌آمیز با کشورهای همجوار اقدام نموده است و آن را به عنوان یکی از اصول راهبردی خود در سیاست خارجی قرار داده است. در این راستا، در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی ایران پیگیری سیاست تنش‌زدایی، حاکی از اصل روابط دوستانه میان ایران و سایر کشورهاست. (بیکی، ۱۳۸۹: ۱۲۴)

۸. علما و مراجع

نقش مراجع و علمای اسلامی در سده‌های اخیر در ایران شایان توجه بوده است، اقدامات آنان در حکم تحریم تنباکو، نهضت مشروطیت، ایستادگی و مبارزه با ظلم زورگویان، مستبدان و دیکتاتورهای داخلی، مبارزه با نفوذ بیگانگان طبق قاعده نفی سبیل، مبارزه با انحرافات داخلی، مخالفت با قراردادهای ننگین تا مخالفت و افشاگری قرارداد کاپیتولاسیون و وقوع انقلاب اسلامی توسط رهبر کبیر انقلاب علیه السلام، گواه از همت آنان در سربلندی این کشور بوده است. (متقی‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۶) نقش روحانیت به عنوان پیش‌قراول و پیش‌تاز حرکت انقلابی در زمینه تکوین و تبیین مبانی انقلاب، تثبیت، پیشرفت و بسیج سیاسی توده‌ها در همه صحنه‌های انقلاب اسلامی بارز و برجسته بوده است. آنان در واقع به نیاز اصلی توده‌ها، یعنی مبارزه با فساد و بازگشت به نظم اخلاقی متعالی اسلامی و تغییر ارزش‌ها و هنجارهای جامعه پاسخ گفتند. در واقع، نقش آنان بیشتر با بعد فرهنگی و اخلاقی آغاز و سپس به نقش سیاسی بدل می‌گشت. (قنبری، ۱۳۸۳: ۶)

۹. مردم سالاری دینی

در این الگوی جدید از حاکمیت سیاسی، دین جایگاه محوری در سیاست نظری و عملی دارد و حتی نظریه دولت و پراکندگی قدرت در جامعه را نیز سامان می‌دهد. در نظریه دولت برآمده از ایده مردم‌سالاری دینی، دین نقشی را ایفا می‌کند که اندیشه‌گران معاصر به حقوق بشر داده‌اند و توقع دارند که این حقوق به نوعی بین دولت و ملت حائل شده، از تضاد آن دو ممانعت به عمل می‌آورد. در جمهوری اسلامی ایران، دین به جای آنکه همچون حقوق بشر منطقه، حائل میان دولت و ملت پدید آورد و مانع از دست‌اندازی دولت به منافع ملت شود، دولت و ملت را در زمینه‌ای از ارزش‌های مشترک به هم پیوند می‌دهد که هر دو باید به آن متعهد

و پایبند باشند. با توجه به این زمینه‌ها می‌توان گفت مردم‌سالاری دینی از جمله ارزش‌های سیاسی و دینی جمهوری اسلامی است که ایده نو در جهان سیاست به شمار می‌رود و در رویارویی با ارزش‌های لیبرال دموکراسی غربی می‌تواند مزیت نسبی و رقابتی ایران تعریف شود. برخی از نویسندگان و پژوهشگران نیز بر این واقعیت تأکید کرده‌اند که از ارزش‌های اساسی ایران که می‌تواند در سطح جهانی مطرح شود، مردم‌سالاری موجود در ایران و انتخابات متعدد است. (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۲۲ - ۲۱)

۱۰. همکاری در حل و فصل بحران‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

جمهوری اسلامی ایران با توجه به اشتراکات دینی، فرهنگی، تاریخی و تجاری میان کشورهای منطقه با جدیت تلاش کرده است تا بحران‌های ایجاد شده در منطقه را با همکاری کشورهای منطقه و همسایه حل و فصل گرداند. در این زمینه می‌توان به تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران در حفظ ثبات و امنیت در افغانستان و عراق پس از حمله آمریکا، کمک‌های بشردوستانه به پاکستان در سیل سال ۲۰۱۰، همکاری در طرح مشارکت علیه تروریسم در منطقه در سازمان همکاری شانگهای و همچنین کمک به دو کشور سوریه و عراق برای مقابله با گروه تروریستی - تکفیری موسوم به داعش اشاره کرد.

۱۱. رویکرد عدم تعهد یا عدم وابستگی به شرق و غرب

بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی رحمته‌الله اعتقاد داشت که تنها راه دستیابی به استقلال و آزادی، رهایی از راهبرد غرب و شرق، از طریق اتکا به ایده‌ها و ارزش‌های اسلامی می‌باشد. بنابراین رویکرد استقلال و عدم وابستگی در ساختار ارزش و اندیشه‌ای انقلاب اسلامی ایران به معنای رهایی از ساختار سلطه و نفوذ غرب و شرق و استقلال از نظام بین‌المللی، هنجارها و قواعد تکوین یافته از سوی ابرقدرت‌هاست. (Mousavi Shafae, 2010: 204-205)

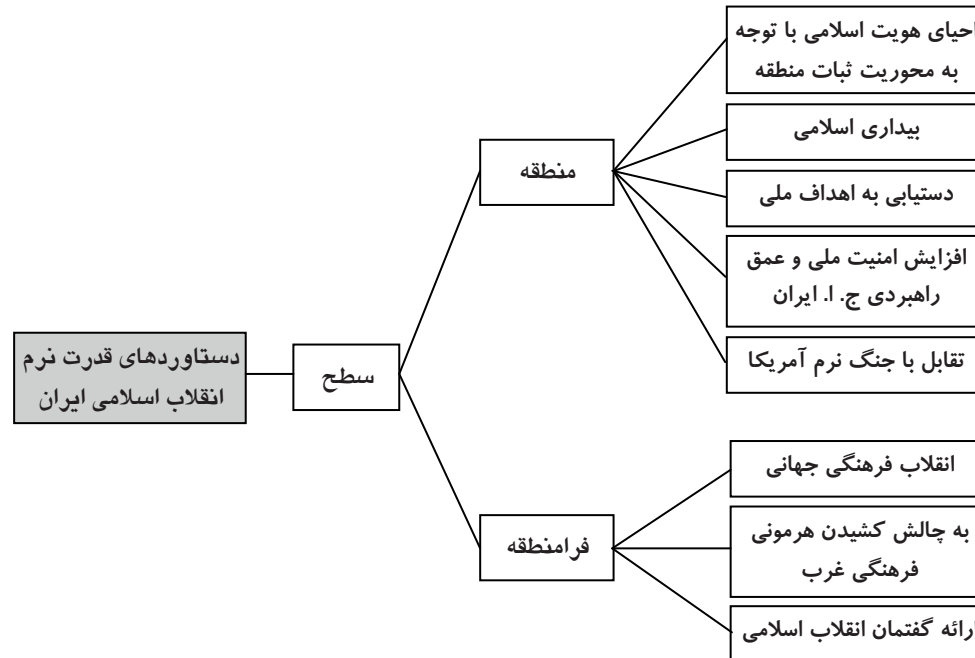
۱۲. توسعه دانایی‌محوری

انقلاب اسلامی ایران زمینه را برای اهتمام همزمان به توسعه چند بعدی در ابعاد علمی، فرهنگی، اخلاقی و ... علاوه بر توسعه سیاسی و اقتصادی را فراهم آورده است. در واقع، جمهوری اسلامی ایران رویکرد توسعه دانایی‌محور را برای تبدیل کشور به جامعه دانش‌بنیان اتخاذ کرده، تا علم و اندیشه مسیر حیات فردی و جمعی را مشخص سازد و فرآورده‌های علمی با خود، اقتدار، صلابت و عزت را به ارمغان آورد و نقش مؤثری در تأمین امنیت و آرامش اجتماعی ایفا نماید. (رنجبران، ۱۳۸۸: ۸۵)

دستاوردهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران

بیداری اسلامی منطقه خاورمیانه، از دو جهت اساسی به افزایش منابع و دستاوردهای قدرت نرم جمهوری اسلامی

ایران کمک کرد؛ از سویی ارزش‌ها و هنجارهای انقلاب اسلامی در نزد افکار عمومی مردم منطقه جایگاه ویژه‌ای یافت و از طرف دیگر زدودن ذهنیت‌های منفی و شکل‌گیری تصویر مطلوب از جمهوری اسلامی ایران - به عنوان یکی دیگر از عوامل ایجاد کننده قدرت نرم - به افزایش منابع و دستاوردهای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه منجر شد. (هرسیچ، ۱۳۹۱: ۹۴) در واقع، دستاوردهای قدرت نرم یک کشور در فضای منطقه‌ای و جهانی، بسترساز ارتقای میزان مشروعیت نظام سیاسی مذکور از دید افکار عمومی بین‌المللی، کسب پرستیژ بین‌المللی و مدیریت افکار عمومی و جهت‌دهی به آن را به همراه دارد که در راستای تأمین امنیت و اهداف ملی یک کشور به کار می‌رود. (خراسانی، ۱۳۸۷) به تبع در حالت کلی، دستاوردهای قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران نیز در طول سه دهه گذشته به دو سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قابل تقسیم‌بندی است که در نمودار زیر نشان داده شده است:



اقدامات جمهوری اسلامی ایران برای گسترش قدرت نرم در منطقه خلیج فارس؛ به‌ویژه در بحرین بی‌تردید در عصر جدید، دیدگاه مردمان دیگر کشورها، باعث تضعیف و یا تقویت موقعیت قدرت‌ها در روابط بین‌الملل خواهد شد. در این میان، نظر کشورهای همسایه و نوع نگاه آنها به سیاست‌ها و مواضع قدرت‌ها، مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تر از سایر کشورهاست. امروزه ایران اسلامی با داشتن بیش از ۷۵ میلیون نفر مسلمان، که از این میزان اکثریت شیعه هستند، بیشترین قرابت مذهبی را با بحرین داراست. (توتی و دوست محمدی، ۱۳۹۲: ۲۱۲) طبق آمارهای موجود، جمعیت فعلی شیعیان در بحرین در حدود ۴۹۰ هزار تا ۵۰۰ هزار نفر برآورد شده است که در مقایسه با کل جمعیت این کشور (حدود ۷۰۰ هزار نفر) اکثریت قابل ملاحظه‌ای است. (کوشکی و ناظم‌پور، ۱۳۸۹: ۱۶۷)

همچنین جمهوری اسلامی ایران دارای نمایندگی فرهنگی نیز در کشور بحرین است که وظیفه خطیر ارتباط با افکار عمومی و نخبگان جوامع و انتقال ارزش‌های اسلامی - ملی را بر عهده دارد. در جمهوری اسلامی ایران، شش روزنامه به زبان‌های انگلیسی و عربی به منظور انعکاس اخبار و آشنایی شهروندان دیگر کشورها و افراد مقیم در ایران با فرهنگ و سیاست‌های داخلی و بین‌المللی ایران انتشار می‌یابد که در این میان، روزنامه‌های الوفاق و کیهان عربی، مخاطبان خود را در کشورهای اسلامی به ویژه بحرین جستجو می‌کند. علاوه بر روزنامه‌ها، شبکه‌های رسانه‌ای بین‌المللی ایران به ویژه العالم نیز تأثیر بسزایی در کشورهای اسلامی ایفا می‌کند.

درواقع، راه‌اندازی شبکه تلویزیونی العالم در بهمن ۱۳۸۲ همزمان با تجاوز نیروهای آمریکایی و انگلیسی به کشور عراق مصادف شد و با آنکه در ابتدا تنها شش ساعت برنامه در روز برای این شبکه در نظر گرفته شده بود، به دلیل جنگ عراق و در حالی که تنها یک ماه از شروع به کار العالم می‌گذشت، این شبکه ۲۴ ساعته به فعالیت خود ادامه داد. العالم شبکه تلویزیونی شبانه‌روز اخبار، به زبان عربی است که مطابق اعلام رسمی پایگاه اطلاع رسانی آن، اهداف مختلفی را پی می‌گیرد؛ اطلاع‌رسانی سریع و شفاف از رویدادها و تحولات سیاسی جهان و منطقه، بررسی ریشه‌های تاریخی مسائل مسلمین و راه‌های برون رفت از آن، گسترش روح همدلی درباره هویت فرهنگی واحد، آرمان‌ها و مصالح مشترک مردم منطقه و اتخاذ سیاست رسانه‌ای فعال در برابر جریان‌های یک سویه امپریالیسم خبری غربی. (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۲۸ - ۲۵)

در حقیقت، بررسی وضعیت اعمال مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران در منطقه نشان می‌دهد که عوامل طبیعی و یا غیربرنامه‌ای همچون مذهب اسلام، تشیع، زبان فارسی و مهاجران بیشترین سهم از منابع نرم‌افزاری قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران را به خود اختصاص داده‌اند. در مقابل عوامل نیازمند برنامه‌ریزی و راهبردی همچون تأسیس و تقویت شبکه‌های تلویزیونی، رادیویی و اینترنتی به زبان عربی، جذب گردشگر، همکاری‌های علمی و دانشگاهی و ایجاد مؤسسات ایران‌شناسی و مراکز آموزش زبان فارسی در حاشیه قرار گرفته‌اند. (توتی و دوست محمدی، ۱۳۹۲: ۲۱۳ - ۲۱۲)

بیداری اسلامی در بحرین؛ عوامل و زمینه‌ها

کشور بحرین به واسطه حدود ۷۵ درصد جمعیت شیعه، همواره یکی از کانون‌های رستاخیز شیعی در چند دهه گذشته، در منطقه تلقی شده است. اگرچه این کشور دارای اکثریت جمعیت شیعه است، اما اقلیت سنی مذهب آل خلیفه، همواره بر این کشور حکومت می‌کنند و انواع مختلفی از تبعیضات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... را در قبال شیعیان این کشور اعمال می‌شود. به طوری که از دید تحلیل‌گران، شیعیان بحرین اکثریتی فراموش شده قلمداد می‌شوند. پیشینه اعتراضات گسترده و ادامه‌دار خیزش‌های شیعی در بحرین به سال ۱۹۸۰ برمی‌گردد که تابع تحولات و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بوده است. امروزه بحرین از تاریخ

۱۴ فوریه ۲۰۱۱ (۲۵ بهمن ۱۳۸۹)، صحنه اعتراضات مردمی علیه نظام اقتدارگرای آل‌خلیفه و تبعیض‌های این اقلیت حکمران علیه شیعیان می‌باشد و در جریان این اعتراضات، پس از صدور بیانیه شورای همکاری خلیج فارس با ادعای جلوگیری از تهدید خارجی علیه کشور بحرین، نیروهای عربستان سعودی و امارات در قالب نیروی سپر دفاع جزیره، وارد این کشور شدند و این منطقه را به جولانگاه نظامیان و سرکوب مردم بی‌دفاع بحرین مبدل نمودند. این مسئله در حالی است که انقلابیان بحرین به رغم اقدامات آل‌خلیفه و آل‌سعود در سرکوب اعتراضات، همچنان با برپایی راهپیمایی‌ها، خواستار اصلاحات در بحرین و پایان بخشیدن رژیم به سرکوب امنیتی مردم هستند. (Nuruzzaman, 2013: 367)

در واقع، در طول دهه‌های گذشته، مردم بحرین به همراه جریان‌ها و احزاب معارض این کشور نظیر جنبش احرار، جمعیت وفاق اسلامی، جنبش حق، جمعیت الوعد، جمعیت عمل اسلامی، جمعیت تجمع ملی و دموکراتیک و گروه‌های دیگر، خواسته‌های اصلی خود را برکناری شیخ خلیفه بن سلمان آل‌خلیفه، نخست‌وزیر و پسرعموی امیر بحرین که از سال ۱۹۷۱ ریاست دولت را در اختیار دارد، بازگشت تبعیدیان، آزادی زندانیان سیاسی، لغو ممنوعیت تشکیل احزاب و فعالیت‌های سیاسی مذهبی، آزادی بیان و مطبوعات، توقف دستگیری آزادی‌خواهان و لغو تمام ممنوعیت‌ها اعلام کرده‌اند. (رضائی و جهانیان، ۱۳۹۳: ۱۸۹) به هر حال برای فهم بیشتر زمینه‌ها و بستر بیداری اسلامی در بحرین عوامل مهم چندی بازگو می‌شود.

۱. وجود حکومت استبدادی، غیر دموکراتیک و وابسته

براساس قانون اساسی بحرین که در سال ۱۹۷۳ به تصویب رسید، پادشاه قادر است که نخست وزیر را خود انتخاب کند و بر فعالیت او نظارت داشته باشد و نخست‌وزیر نیز متقابلاً به او پاسخ‌گو است و هیچ مسئولیتی در قبال نهاد دیگری ندارد. از سوی دیگر در قانون اساسی بحرین حکومت موروثی است و مردم هیچ نقشی در انتخاب پادشاه ندارند. (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۵۰) علاوه بر آن، امیر بحرین حق نصب یا عزل و برکناری هر مقام مملکتی را در بحرین دارا می‌باشد و در مقابل به هیچ دستگاه و مقامی مسئول و پاسخ‌گو نمی‌باشد. حتی طبق ماده ۶۵ قانون اساسی، می‌تواند مجلس را منحل کند. (بحرانی، ۱۳۸۱: ۲۹) همچنین طبق قانون اساسی بحرین، امیر این کشور حاکم و رئیس کشور است و بزرگ‌ترین فرزند ذکور وی نسل به نسل از سوی امیر وقت به عنوان جانشین انتخاب می‌شود. (میررضوی و احمدی، ۱۳۸۳: ۱۳۶)

علاوه بر آن، وابستگی دولت بحرین به قدرت‌های فرامنطقه‌ای و اتخاذ سیاست‌های همسو با آنان و بی‌توجهی به افکار عمومی در ایجاد و اجرای سیاست خارجی (با نگاهی به سیاست‌های بحرین در قبال تحولات منطقه) به خوبی مشخص می‌شود که بحرین به جای اتخاذ تصمیمات مستقل و پذیرش یک نقش فعال در تحولات منطقه، همواره از سیاست‌های ایالات متحده آمریکا و سایر نیروهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبعیت و پشتیبانی کرده است. (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۵۰)

۲. وجود تبعیض‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی در این کشور

در بحرین تبعیض‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی علیه اکثریت مردم وجود دارد. تبعیض‌ها از یک سو، تبعیضات دامن‌گیر میان خانواده حاکم و دیگر طبقات و از سوی دیگر، میان سنی‌ها و شیعیان در این کشور می‌باشد. برای نمونه در بحرین از نظر اقتصادی، دو دنیای متمایز از هم وجود دارد؛ یکی دنیای ثروتمند خانواده حاکم، دیپلمات‌ها، حامیان شرکت‌ها و بانک‌های خارجی است. این افراد و اقلیت چند هزار نفری در زندگی راحتی به سر می‌برند، اما دنیای دوم شامل بیش از ۳۵۰ هزار نفر از مردم بحرینی است که در خانه‌ها و شهرهای فقیر زندگی می‌کنند و از بسیاری از مزایای اجتماعی محرومند. (کوشکی و ناظم‌پور، ۱۳۸۹: ۱۶۹)

۳. تأثیرات قدرت نرم انقلاب اسلامی بر جامعه بحرین

این عامل را می‌توان، یک عامل تأثیرگذار بلندمدت و تدریجی در جامعه شیعی بحرین قلمداد کرد که بستر تحول فکری و فرهنگی در این کشور را به همراه آورده است. به هر حال این تأثیرگذاری‌ها شامل موارد ذیل می‌باشد.

یک. الگوی اسلامی به عنوان راهنمای عمل

بررسی عملکرد سیاسی مسلمانان در جوامع اسلامی نشان می‌دهد که تا پیش از انقلاب اسلامی ایران، گروه‌های مختلف مسلمان در کشورهای متعدد، غالباً در فعالیت‌های خود، اسلام و باورهای دینی را کنار گذاشته و مبانی حرکت خود را براساس مکاتب غربی چون سوسیالیسم، مارکسیسم، لیبرالیسم و ... استوار کرده بودند، اما از آنجا که این حرکت‌ها با مکاتب و باورهای مسلمانان سازگاری نداشت، با شکست مواجه می‌شد. دکتر سعید شهابی از مبارزان بحرینی در این زمینه می‌گوید:

دوره انحطاطی که امت اسلامی آن را در دهه‌های ۴۰، ۵۰ و ۶۰ قرن گذشته پشت سر گذاشت و با تسلط صهیونیست‌ها و اشغال‌گران بر قدس همراه بود، باعث ایجاد این تفکر شد که ایدئولوژی‌هایی مانند حزب بعث و کمونیسم و... که تاکنون در جهان اسلام وجود داشته ناکارآمد هستند؛ زیرا نتوانسته‌اند مردم را به قیام علیه ظلم وادارند. (نجفی و بلندیان، ۱۳۹۲: ۱۹۳ - ۱۹۲) درواقع، جایگاه دین در دوره قبل از انقلاب اسلامی در جهان، تا حد ابزاری تقلیل یافته و غلبه علم بر دین در امور مختلف قابل تشخیص بود، اما این نسبت پس از انقلاب اسلامی ایران دچار تحول شد و موازنه قدرت به نفع دین تغییر یافت. (عباسی اشلقی، ۱۳۹۱: ۱۲۵)

دو. احیای هویت شیعی

انقلاب اسلامی ایران، نقطه عطفی در احیای هویت دینی مسلمانان پدید آورد و با دفاع هشت‌ساله خود در جنگ تحمیلی، تشیع و فرهنگ شیعی را در مرکز حوادث و اخبارهای جهان قرار داد. شیعیانی که در طول چندین قرن گذشته، نه تنها همواره در اقلیت بوده و آماج حملات شدید تبلیغات، به ویژه توسط حکام و پادشاهان بلاد اسلامی قرار می‌گرفتند و الزاماً با تکیه بر اصل تقیه حتی از بروز افکار و اندیشه‌های خود

هراس داشتند، با این پیروزی جان دوباره‌ای گرفتند و در صف اول مبارزه با استکبار قرار می‌گرفتند. این انقلاب در شرایطی به پیروزی رسید که جوامع مسلمان و به‌ویژه جامعه شیعی در رکود و رخوت به سر می‌بردند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مردم بحرین با حمل پلاکاردها، تظاهرات عظیمی به حمایت و همبستگی با انقلاب اسلامی ایران بر پا کردند. همبستگی و اتحاد مردم مسلمان بحرین با مردم مسلمان و انقلابی ایران به حدی بود که سازمان آزادی‌بخش بحرین به عنوان نماینده همین مردم قبل از پیروزی با رهبران انقلابی ایران ارتباط داشته و همکاری می‌کردند. (نجفی و بلندیان، ۱۳۹۲: ۱۹۴ - ۱۹۳)

سه. خودآگاهی مسلمان بحرینی

انقلاب اسلامی ایران با اهداف فراملی خود در انتقال آگاهی سیاسی برای صف‌آرایی، نقد ترتیبات اجتماعی موجود برای زیر سؤال بردن وضع موجود، ارائه مجموعه جدیدی از ارزش‌ها، طرح کلی جامعه مطلوب، معرفی برنامه عملی برای رسیدن به اهداف در جهت ویرانی وضع موجود و ایجاد نهادهای نوین، ایجاد روحیه فداکاری و شکیبایی که لازمه اقدام سیاسی در بسیج است و همچنین ایجاد اعتماد به نفس و تعهد در مسلمانان نقشی بی‌بدیل در خاورمیانه و جهان ایفا نموده است. (احمدی، ۱۳۹۰: ۱۳۰)

قاسم الهاشمی از مبارزان برجسته بحرینی در این زمینه می‌گوید:

جمهوری اسلامی ایران امروز، با گذشت ۳۶ سال از عمر خود و به برکت جانفشانی‌ها و ایثارگری فرزندانش توانسته است، رسالت خود را در گسترش تفکر آگاهی بخشی بین امت اسلامی به نحو مطلوبی ایفا نماید. (نجفی و بلندیان، ۱۳۹۲: ۱۹۶)

چهار. ارائه الگوها و اسوه‌ها

الگوها و اسوه‌ها در تاریخ یک ملت محکم‌ترین رشته‌هایی هستند که تداوم فرهنگی یک جامعه را تضمین و پایه محکمی برای هویت فرهنگی یک جامعه به‌وجود می‌آوردند و اولین ماده همبستگی فرهنگی و اجتماعی را تشکیل می‌دهند. در این میان، ویژگی‌های منحصر به فرد امام خمینی علیه‌السلام، او را به عنوان الگویی بی‌نظیر و توانمند تبدیل کرده است که پیروی از سیره و اندیشه‌های ایشان می‌تواند هادی و راهنمای ملت‌های منطقه و جهانیان باشد. (رفیع، ۱۳۹۳: ۱۶) راشد الراشد یکی از مبارزان بحرینی، امام خمینی علیه‌السلام را به عنوان پرچمدار و بنیان‌گذار بیداری اسلامی منطقه معرفی می‌کند که اسلام قشری و به دور از صحنه و سیاست را به اسلام تحول‌آفرین و یاور مردم به ویژه محرومان مبدل کرد و این همان حرکت احیاگرایانه‌ای بود که جهان اسلام به آن نیاز مبرم داشت. (نجفی و بلندیان، ۱۳۹۲: ۱۹۳)

پنج. ساختار شکنی

انقلاب اسلامی به شکل‌های مختلفی ساختارهای پذیرفته شده جهانی را در هم شکست و ساختارهای ارزشی جدیدی را جایگزین ساختارهای پیشین ساخت؛ از جمله:

الف) در اندیشه مدرنیته، انتقال جامعه سنتی به مدرن، نیازمند یک الگوی جهانی توسعه است، آن هم الگویی برگرفته از غرب پیشرفته؛ زیرا آنان معتقدند دنیای غیرغربی توسعه نیافته، باید همان مسیر توسعه در اروپا و آمریکا را بپیمایند. در این دیدگاه، نوسازی با دنیاگرایی مفرط همراه است. ولی انقلاب اسلامی ایران، مبانی توسعه غرب را زیر سؤال برد و فریاد برآورد که دین درباره اداره دنیا جهت‌گیری‌های اساسی دارد، البته دنیاگرایی افراطی را هم نفی می‌کند. به عبارتی، انقلاب اسلامی، ارزش‌های نوینی در توسعه آفرید و آن، این است که توسعه اجتماعی نیازمند توسل به الگوهای غربی نیست.

ب) انقلاب اسلامی در ایران در دوره‌ای به وقوع پیوست که جریان پست‌مدرنیسم در ربع آخر قرن بیستم وارد مرحله جدیدتر و جدی‌تر شده بود. از این رو، به عقیده بسیاری از اندیشمندان غرب، انقلاب اسلامی ایران، انقلابی است پست‌مدرنیسمی که در روایت و تفسیر مدرنیته جای نمی‌گیرد. به همین دلیل، انقلاب اسلامی ایران توجه افرادی همچون میشل فوکو، دریدا، ادوارد سعید را به سوی خود کشاند. فوکو از جمله اشخاصی بود که یافته‌های نظری خویش را در انقلاب اسلامی پیدا کرد و با چاپ مقاله‌هایی، حمایت خود را نسبت به مردم ایران نشان داد. به نظر وی، انقلاب اسلامی در ایران در قالب معنویت‌گرایی سیاسی جای می‌گیرد، در حالی که عنصر معنویت، قرن‌ها در غرب به فراموشی سپرده شده است.

ج) تا پیش از پیدایش انقلاب اسلامی، عمده نظریه‌پردازان انقلاب در عرصه جامعه‌شناسی، گرایش‌های ساختارگرایانه داشتند؛ یعنی می‌کوشیدند با بررسی گزینشی انقلاب‌ها، به یک تئوری دست یابند تا بتوانند هر انقلاب جدیدی را که در جهان رخ می‌دهد، با آن تبیین و حتی وقوع آن را پیش‌بینی کنند. خانم اسکاچپول، از جمله این نظریه‌پردازان بود، که انقلاب‌ها را عملی اتفاقی و خارج از اراده می‌دانست و بر آن بود که انقلاب‌ها می‌آیند، نه اینکه ساخته می‌شوند، ولی با پیروزی انقلاب اسلامی ایران که با نوعی ساخته شدن و معماری همراه بود، اسکاچپول تئوری خود را به این صورت تغییر داد: «انقلاب‌ها می‌آیند، نه اینکه ساخته شوند، الا انقلاب اسلامی ایران». (شیرودی، ۱۳۸۸: ۲۱ - ۲۰)

شش. فرهنگ مقاومت و شهادت

انقلاب اسلامی ایران، همواره جلوه‌ای از اندیشه و فرهنگ مقاومت در ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به همراه داشته است که این اندیشه‌ها خود الهام‌بخش ملت مسلمان بوده است و بستر شکل‌گیری هویت مقاومت را فراهم می‌آورد. در واقع، هویت مقاومت در زمانی شکل می‌گیرد که کشورها در وضعیت خیزش سیاسی در برابر شرایط ناعادلانه قرار داشته باشند. (متقی و رشاد، ۱۳۹۰: ۱۱۱) بسیاری معتقدند که هویت مقاومت در ایران همواره براساس آموزه‌های دینی و اسطوره‌های ناشی از نهضت عاشورا شکل گرفته است. (فولر، ۱۳۸۴: ۲۹)

در مورد نقش داخلی و جهانی فرهنگ مقاومت و شهادت انقلاب اسلامی ایران، جیمز بیل ایران‌شناس آمریکایی می‌گوید:

نظام اعتقادی دین اسلام که مفاهیم مقاومت و شهادت اساس آن است، تأثیر بسیاری در روحیه و شادابی جمهوری - اسلامی ایران دارد. این نظام اعتقادی اشکال قدرتمندی از شهادت و بی‌باکی را می‌آفریند که برای پیروزی در همه صحنه‌های داخلی و جهانی کارآمد است و همچنین تأثیرات عظیمی بر همه مسلمانان جهان دارد. (رنجبران، ۱۳۸۸: ۳۶)

در واقع، ساختارهای حکومتی آل‌خلیفه با اعمال سیاست‌های جانبدارانه، بستر و زمینه‌های ایجاد شکاف میان اقلیت سنی مذهب و اکثریت شیعی را در این کشور فراهم آورده‌اند. شیعیان بحرین همواره از مناصب سیاسی و فرصت‌های اقتصادی محدودی برخوردار بوده‌اند و از تبعیض‌های مختلف مذهبی رنج برده‌اند که انقلاب اسلامی، بستر مقاومت و شکستن این ساختارها با روحیه شهادت و ایثار را فراهم آورده است.

هفت. احیای نقش زن مسلمان

پیروزی انقلاب اسلامی ایران و بعد از آن حماسه ۸ ساله جنگ تحمیلی، نقش زنان را به عنوان تربیت‌کنندگان نسل‌ها و پشتیبانان اصلی احیاگران هویت اسلامی به طور بارز نشان داد، که این مسئله بسترساز خودآگاهی زن مسلمان در تحولات منطقه شد. در این زمینه خانم لمیس ضیف روزنامه‌نگار بحرینی در مورد نقش زنان در تحولات انقلابی بحرین به این نکته اشاره می‌کند که زنان بحرینی در برابر درخواست مردان بحرینی که پس از سرکوب خونبار، خواستار عدم حضور آنها در تظاهرات‌ها شدند، با رد این خواسته، تأکید کردند که بحرین به آنها نیز تعلق دارد و آنها نیز در این کشور حقوقی دارند. (نجفی و بلندیان، ۱۳۹۲: ۲۰۴)

هشت. تقابل با مداخله ایالات متحده آمریکا در بحرین

یکی از شاخص‌های اصلی قدرت نرم انقلاب اسلامی را می‌توان در ارتباط با مقابله‌گرایی در برابر مداخله پایان‌ناپذیر قدرت‌های بزرگ دانست، این امر در واقع، واکنشی نسبت به فضای ناعادلانه سیاسی در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود. (متقی و رشاد، ۱۳۹۰: ۱۱۴)

فضای بسته سیاسی در بحرین در دو دهه پیش باعث شد تا استقرار ناوگان پنجم آمریکا در این کشور بدون هیچ سروصدایی صورت بگیرد. (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۶۲) ایالات متحده آمریکا، امروزه در تحولات انقلابی بحرین سیاست سکوت و حمایت تلویحی از رژیم آل‌خلیفه را دنبال کرده و بار دیگر بین ارزش‌های به‌زعم خودشان دموکراسی و حقوق بشر و منافع استراتژیک، گزینه دوم را انتخاب کرده است. (نیاکوئی، ۱۳۹۰: ۲۶۰) این مسائل باعث شده تا روحیه آمریکاستیزی در بحرین بیشتر نمود پیدا کند و زمینه خیزش‌ها را فراهم آورد.

۴. فرقه‌گرایی

بحرین کشوری است که به دلیل اوضاع جمعیتی همواره کانون رستخیز شیعی بوده است. در این کشور شیعیان از اکثریت برخوردار هستند، ولی خانواده حاکم (آل‌خلیفه) و اکثر نخبگان به آیین تسنن تعلق دارند. براساس رویکرد فرقه‌گرایانه آل‌خلیفه انواع تبعیضات سیاسی، مذهبی، اقتصادی و ... علیه شیعیان اعمال می‌شود.

برای نمونه از نظر سیاسی چهره‌های اپوزیسیون شیعی همواره شکایت داشته‌اند که محله‌های پارلمانی کشور براساس خطوط قومی به‌گونه ناعادلانه تقسیم‌بندی شده است تا از نفوذ جریان شیعی جلوگیری شود. همچنین حکومت بحرین همواره در تلاش بوده تا بافت جمعیتی این کشور را با هدف از اکثریت انداختن شیعیان تغییر دهد و سیاست‌های مختلفی در این راستا اتخاذ کرده است، از جمله این که به مهاجران سنی که اکثر آنها تخصصی هم ندارند و به امید گرفتن زمین به بحرین آمده‌اند، تابعیت داده است. (نیاکوئی، ۱۳۹۰: ۲۵۶)

۵. انتخابات مجلس

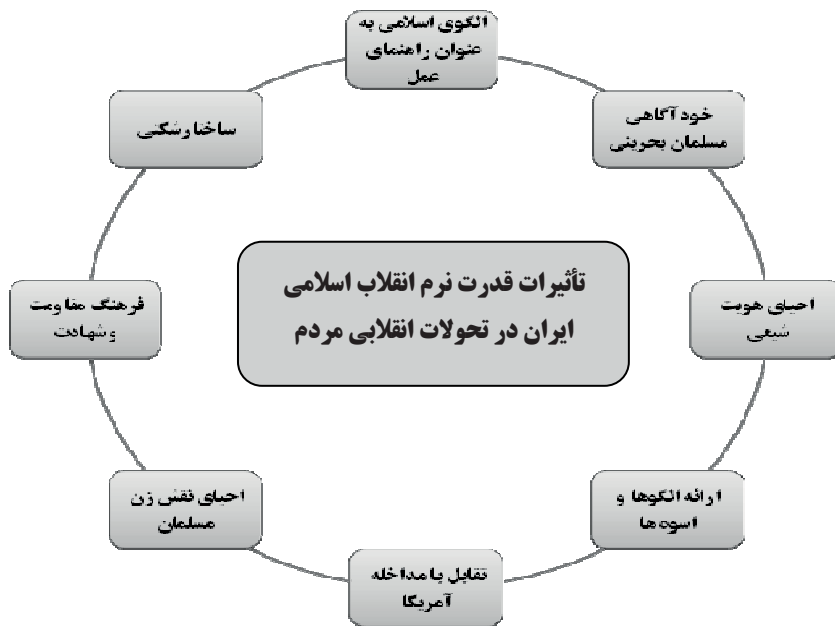
یکی از دلایلی که به عنوان عاملی شتاب‌زا در ظهور و بروز خیزش مردم بحرین در مقابل دولت این کشور داشت، به زمان پیش و پس از انتخابات مجلس در ۲۳ اکتبر ۲۰۱۰ بر می‌گردد. نتایج این انتخابات نشان داد که مردم عمدتاً به کاندیداهای عمل‌گرا و مستقل از دولت رأی داده‌اند که وعده پیگیری مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را به مردم داده بودند. بنابراین، مجلس این دوره شاهد حضور نمایندگان بود که عمدتاً منعکس‌کننده خواست‌ها و علایق مردم بودند، نه دولت بحرین و طبیعی است که این امر برای دولت بحرین بسیار نگران‌کننده باشد. (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۵۰)

علاوه بر آن، رژیم آل‌خلیفه، در این انتخابات در این کشور ۲۳ تن از رهبران اپوزیسیون و صدها تن از فعالان سیاسی را با اتهاماتی چون تروریسم و تلاش برای براندازی حکومت متهم و بازداشت کرد. (نیاکوئی، ۱۳۹۰: ۲۵۷)

نتیجه

قدرت نرم عبارت است از، توانایی تغییر یا شکل دادن به اولویت دیگران، براساس آنچه ما می‌خواهیم، فکر یا رفتار کنند. بنابراین قدرت نرم متعلق به بازیگرانی است که بدون اینکه از زور استفاده کنند نتایج دلخواه خود را می‌گیرند؛ چون سیاست‌ها و ارزش‌های آنان برای دیگران جذابیت دارند. (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۹۰: ۱۹۷) در این راستا، انقلاب اسلامی ایران نیز تجلی تحقق قدرت نرم به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران بدون تهدید و یا پرداخت هزینه حداقلی است که از رهگذر تبیین اسلام ناب محمدی ﷺ، فرهنگ شیعی و آرمان‌های عدالت‌خواهانه درصدد برآمد با روش‌های غیرمستقیم به نتیجه دلخواه و مطلوب یعنی بیداری اسلامی دست یابد. (متقی‌زاده، ۱۳۹۰: ۴۹) تابع این امر، در بعد منطقه‌ای، راهبرد قدرت نرم انقلاب اسلامی در قبال کشورهای همسایه تاکنون به طور عمده مبتنی بر بهره‌گیری و تأکید بر اشتراکات مذهبی، شیعی، تاریخی و فرهنگی بوده است. به همین سبب، هم‌گرایی اسلامی و شیعی کشورهای منطقه با جمهوری اسلامی ایران، به مثابه عوامل طبیعی افزایش قدرت نرم ایران، بیشترین نقش را در منطقه ایفا می‌کند. امروزه ماهیت رقابتی و پرتحول بیداری اسلامی در منطقه به گونه‌ای است که همه بازیگران اصلی

خاورمیانه سعی دارند نظم جدیدی را براساس منافع و امنیت ملی خود شکل دهند. جمهوری اسلامی ایران نیز در نقش یکی از دولت‌های مهم منطقه‌ای و دارای نگرانی‌های امنیتی از این امر مستثنی نیست. در حقیقت، پس از تحولات انقلابی بحرین، زمینه جدیدی با توجه به تحولات ژئوپولیتیک در شکل و ساخت قدرت در این کشور در حال شکل‌گیری است. در یک سو ایالات متحده آمریکا و متحدان قدیمی‌اش در منطقه (عربستان سعودی و رژیم اشغال‌گر صهیونیستی) هستند که به نوعی خواهان حفظ توازن سنتی با تسلط کامل بر جریان‌های سیاسی - امنیتی در بحرین می‌باشند و در سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران قرار دارد که الزاماً خواهان به هم زدن وضع موجود نیست؛ اما با افزایش پایه‌های قدرت و نقش خود در پرتو تحولات منطقه‌ای خواهان ایفای نقش بیشتری با رویکرد منطقه‌ای و از زاویه حفظ منافع خود است. (توتی و دوست‌محمدی، ۱۳۹۲: ۲۲۱) به هر حال، در طول سه دهه گذشته، ابعاد قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران بیشترین تأثیر را در منطقه خلیج‌فارس بر کشور بحرین به واسطه اکثریت جمعیت شیعی داشته است. امروزه قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران، به عنوان مهم‌ترین عامل زمینه‌ساز بیداری اسلامی مردم بحرین تلقی می‌گردد که تأثیرات زیادی را در قالب نمودار زیر به همراه داشته است.



با این تفاسیر، تلاش در راستای اشاعه ارزش‌های اسلامی و نیز دفاع از مسلمانان که به مثابه رویکردی آگاهانه در سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران پیگیری می‌شود و پیامدهای آن مانند گسترش بیداری اسلامی به نوبه خود باعث بالا رفتن ضریب امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و نیز آسان‌تر شدن دستیابی به اهداف ملی خواهد شد. (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۳۹)

منابع و مأخذ

۱. آدمی، علی، ۱۳۹۱، «بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم*، شماره ۶۲.
۲. آدمی، علی و سایر نویسندگان، ۱۳۹۱، «تحولات انقلابی بحرین و تعارضات مذهبی و ژئوپولیتیکی ایران و عربستان سعودی»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، شماره دهم.
۳. احمدی، سید عباس، ۱۳۹۰، *ایران، انقلاب اسلامی و ژئوپولیتیک شیعه*، تهران، اندیشه سازان نور.
۴. اشرف نظری، علی، ۱۳۸۷، «غرب، هویت و اسلام سیاسی؛ تصورات و پنداشته‌های غرب از اسلام»، *فصلنامه سیاست*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره سی و هشتم، شماره ۱.
۵. بحرانی، مرتضی، ۱۳۸۱، *جنبش‌های سیاسی - اجتماعی بحرین*، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
۶. بیکی، مهدی، ۱۳۸۹، *قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران* (مطالعه موردی لبنان)، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام با همکاری دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام [دانشکده و پژوهشکده پیامبر اعظم علیه السلام].
۷. پیشگاهی فرد، زهرا و سایر نویسندگان، ۱۳۹۰، «جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه راهبرد، سال بیستم*، شماره ۶۱.
۸. توتی، حسینعلی و احمد دوست‌محمدی، ۱۳۹۲، «تحولات انقلابی بحرین و بررسی راهبردهای سیاست خارجی ایران در قبال آن»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال دهم، شماره ۳۳.
۹. جمال‌زاده، ناصر، ۱۳۹۱، «قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریه صدور فرهنگی انقلاب»، *فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال اول، شماره ۴.
۱۰. خراسانی، رضا، ۱۳۸۷، «جایگاه و نقش قدرت فرهنگی در سیاست خارجی و تأثیر آن بر روند تحولات جهانی»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال ۱۱، شماره ۴۱.
۱۱. درخشه، جلال و مصطفی غفاری، ۱۳۹۰، «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام»، *مطالعات فرهنگ و ارتباطات*، سال دوازدهم، شماره ۱۶.
۱۲. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و علی‌رضا فیروزی، ۱۳۹۱، «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصول‌گرایی»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال چهارم، شماره ۲.
۱۳. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و وحید نوری، ۱۳۹۱، «امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی دوران اصول‌گرایی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال پانزدهم، شماره ۳، شماره مسلسل ۵۷.
۱۴. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، ۱۳۸۹، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، سمت.

۱۵. رضایی، مسعود و شهاب جهانیان، ۱۳۹۳، «انقلاب بحرین، بیداری اسلامی و علل ناکامی آن»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال یازدهم، شماره ۳۶.
۱۶. رفیع، حسین و سایر نویسندگان، ۱۳۹۳، «منابع فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران؛ مطالعه موردی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال یازدهم، شماره ۳۸.
۱۷. رنجبران، داود، ۱۳۸۸، *جنگ نرم*، تهران، انتشارات ساحل اندیشه تهران.
۱۸. شیرودی، مرتضی، ۱۳۸۸، «انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال پنجم، شماره ۱۶.
۱۹. عباسی‌اشلقی، مجید، ۱۳۹۱، «بازتاب معناگرایانه انقلاب اسلامی ایران بر اسلام‌گرایی در خاورمیانه»، *فصلنامه راهبرد*، سال بیست و یکم، شماره ۶۲.
۲۰. عطایی، فرهاد و سایر نویسندگان، ۱۳۹۰، «دیپلماسی عمومی و قدرت نرم؛ ایران و آمریکا در عراق جدید»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره چهل و یکم، شماره ۳.
۲۱. فولر، گراهام، ۱۳۸۴، *شیعیان عرب؛ مسلمانان فراموش شده*، ترجمه خدیجه تبریزی، قم، مؤسسه شیعه‌شناسی.
۲۲. قنبری، آیت، ۱۳۸۳، «نقش خواص و عوام در انقلاب اسلامی ایران»، *مجله حصون*، شماره ۲.
۲۳. کوشکی، محمدصادق و مریم ناظم‌پور، ۱۳۸۹، «بررسی چالش‌ها و موانع درونی دموکراسی در خاورمیانه با تأکید بر کشور بحرین»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۵.
۲۴. متقی، ابراهیم و افسانه رشاد، ۱۳۹۰، «نقش قدرت نرم در گسترش بیداری اسلامی خاورمیانه»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال نهم، شماره ۳۳.
۲۵. متقی‌زاده، احمد، ۱۳۹۰، «مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران»، *فصلنامه اندیشه سیاسی اسلام*، سال دوم، شماره ۷.
۲۶. محمدی، منوچهر، ۱۳۸۷، «منابع قدرت نرم؛ سرمایه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه تخصصی در حوزه تاریخ پژوهی ایران معاصر*، دوره سوم، سال پنجم، شماره ۱۶.
۲۷. مرادی، حجت‌اله، ۱۳۸۸، *قدرت جنگ نرم از نظریه تا عمل*، تهران، نشر ساقی.
۲۸. میررضوی، فیروزه و بهزاد احمدی‌لفورکی، ۱۳۸۳، *راهنمای منطقه و کشورهای حوزه خلیج فارس*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۲۹. نای، جوزف، ۱۳۸۹، *قدرت نرم؛ ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل*، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

۳۰. نجفی، محمدصادق و غلامحسین بلندیان، ۱۳۹۲، «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شکل‌گیری بیداری اسلامی در کشور بحرین»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال دهم، شماره ۳۳.
۳۱. نیاکوئی، سید امیر، ۱۳۹۰، «تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا؛ ریشه‌ها و پیامدهای متفاوت»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال سوم، شماره ۴.
۳۲. هرسیچ، حسین و سایر نویسندگان، ۱۳۹۱، «تأثیر جنبش‌های اسلامی - مردمی سال ۲۰۱۱ بر منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در خاورمیانه»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال نهم، شماره ۳۰، ص ۹۶ - ۷۹.

33. Mosavi Shafaei, Seyed Masoud, 2010, "Constructivist view into The enmity between Iran and The west: Manifestation of The Islamic Revolution Identity in Iranian foreign policy behavior", *Geopolitics Quarterly*, Vol.6, No.4, Winter.
34. Nuruzzaman, Mohammed, 2013, "Politics, Economics and Saudi military intervention in Bahrain", *Journal of Contemporary Asia*, Vol.34, No.2.
35. Nye, Joseph, 2002, *The Paradox of American Power: Why the World's only Superpower Can't Go It Alone*, Oxford: Oxford University Press.
36. Wagner, Christian, 2005, "From Hard Power to Soft Power? Ideas, Interaction, Institutions, and images in India's South AsiaPolicy", Workingpaper, No.26: <http://archiv.ub.uniheidelberg.de/volltextserver/volltexte/2005/5436/pdf/hpsacp26.pdf>.